

## واکاوی تغییرات ایجاد شده در شکل هندسه سرزمین برخی کشورهای اسلامی بین

سالهای ۲۰۱۹-۲۰۰۱

(مطالعه موردی: سودان جنوبی و بلندیهای جولان)

حجت مهکویی (استادیار گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران، نویسنده مسئول)

hojat\_m\_59@yahoo.com

مریم شهبانی (استادیار علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران)

maryam.shabani58@iauksh.ac.ir

### چکیده

موقعیت سرزمینی و شکل هندسه سرزمین در موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپولیتیک کشورها مهم است. از معاهده وستفالی (۱۶۴۸) که حکومت‌های سرزمینی شکل گرفته‌اند، کشورهای مختلفی با هندسه سرزمینی متفاوت ایجاد شده‌اند. طرح تقسیم سرزمین کشورهای اسلامی در خاورمیانه، ریشه در قرارداد سایکس-پیکو (۱۹۱۶) دارد که بر مبنای آن، امپراتوری عثمانی میان ابرقدرتهای آن زمان تقسیم شد. بعد از سالها و بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱، سناریوهای جدیدی برای کشورهای اسلامی نوشته شد؛ از موضوعات مطرح در این سناریوها، توجه دوباره به تقسیم سرزمینی برخی از کشورهای اسلامی بوده است. اصولاً چرا در سرزمین‌های اسلامی شاهد این تغییرات هستیم ولی در مناطق دیگر مانند آمریکای جنوبی و یا شمالی، جنوب شرق آسیا و یا اروپای غربی این تغییرات را در بازه زمانی مورد مطالعه نداشته‌ایم؟ از این‌رو، هدف اصلی در این پژوهش واکاوی تغییرات ایجاد شده در هندسه سرزمین برخی کشورهای اسلامی بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در خاورمیانه و شرق آفریقا می‌باشد. این مقاله با روش کیفی و ماهیت توصیفی-تحلیلی با رویکردی به نظریه ژئوپولیتیک، مدل فضایی گسل‌های ژئواستراتژیک فعال جهان درصدد پاسخ به این پرسش است که آیا هندسه سرزمین برخی کشورهای اسلامی در خاورمیانه و شرق آفریقا بعد از سال ۲۰۰۱ تغییراتی داشته‌اند؟ بر مبنای این پرسش، انگاره پژوهش این است که در هندسه سرزمین برخی کشورهای اسلامی در خاورمیانه و شرق آفریقا بعد از سال ۲۰۰۱ تغییراتی اتفاق افتاده است. نتایج نشان می‌دهند که در کشورهای اسلامی در شرق آفریقا، با شکل‌گیری کشور سودان جنوبی و در خاورمیانه نیز بلندیهای جولان که توسط اسرائیل اشغال شده است، تغییرات هندسه سرزمینی را شاهد هستیم؛ البته در رابطه با بلندیهای جولان که اخیراً از سوی دولت آمریکا به عنوان سرزمین اسرائیل شناسایی گردیده است، کشورهای دنیا و سازمان ملل این موضوع (جدایی بلندیهای جولان) را به رسمیت نشناخته‌اند.

واژگان کلیدی: هندسه سرزمین، کشورهای اسلامی، سودان جنوبی (جنوب سودان)، بلندیهای جولان، ژئوپولیتیک

## مقدمه

در طی تاریخ، قبض و بسط سرزمینی برای کشورها همواره اتفاق افتاده است. حکومت‌ها از نظر سرزمینی، در مقطعی بخشی از سرزمین خود را از دست داده‌اند و یا بخشی از سرزمین دیگری را تسخیر کرده‌اند؛ نگاه به سیر تاریخی نقشه جغرافیایی کشورها، گویای این مسأله است. برای مثال «از قرون وسطی تا اعصار مدرن، شکل سرزمین‌های آلمانی زبان در نقشه اروپا مرتباً در حال تغییر بود تا آنکه کشور آلمان توسط اوتوفون بیسمارک یکپارچه شد» (کاپلان، ۱۳۹۷: ۷۹). بررسی سیر این تحولات، نشان از یک مسأله ویژه است و آنهم اینکه، بیشترین تغییرات هندسه سرزمینی در قلمروها و سرزمین‌های اسلامی بوده است. در ارتباط با تجزیه سرزمین کشورهای اسلامی، جدیدترین نسخه پیچیده شده، بلندیهای جولان است، بخشی از سرزمین سوریه که از سوی اسرائیل در سال ۱۹۶۷ اشغال گردید و توسط دولت آمریکا در سال ۲۰۱۹ به عنوان بخشی از سرزمین اسرائیل شناسایی شد. این شناسایی در حالی است که «مستعمره‌سازی بلندیهای جولان در ابتدا به این منظور انجام گرفت که همه‌ی اسرائیلی‌ها توافق داشتند که اهمیت استراتژیک، حفظ آنها را ضروری می‌سازد» (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۰: ۴۰۵). به طور کلی، وضعیت هندسه سرزمین برای اسرائیل به گونه‌ای بوده است که آنها خودشان را در محاصره اعراب احساس می‌کرده‌اند. «اسرائیلی‌ها، نوار غزه را مانند انگشت سبابه و کرانه غربی را همانند مشت گره کرده‌ای که هر دو طرف به شکم آنها نشانه می‌روند، می‌دیدند، اعراب برداشت دیگری از این نقشه داشتند، اینکه چگونه این زمین‌ها در محاصره اسرائیل قرار دارند و چگونه اسرائیل موضع گرفته تا در اولین فرصت به قطع انگشت از بیخ و قطع دست از میج پردازند» (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۰: ۳۹۳). در راستای این تنگنای سرزمینی بوده که باعث شده دولت اسرائیل اقدام به اشغال بلندیهای جولان کند؛ و در شرق آفریقا به دلیل نقشی که قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای خودشان متصور شده‌اند، سودان جنوبی متأثر از این دخالت‌ها و دیگر چالش‌های داخلی، همچون تفاوت دینی و مذهبی که بین شمال و جنوب در کشور سودان وجود داشت این کشور، تأسیس شد. مسأله اصلی این است که آیا هندسه سرزمین برخی کشورهای اسلامی در خاورمیانه و شرق آفریقا بعد از سال ۲۰۰۱ تغییراتی داشته‌اند؟ این تغییرات با رویکردی به نظریه ژئوپولیتیکی مدل فضایی گسلهای ژئواستراتژیک فعال جهان، تحلیل شده است.

## نوآوری و روش تحقیق

با جستجو در پیشینه‌های پژوهشی مرتبط با موضوع هندسه سرزمین هرچند مقالاتی در داخل و خارج به طور کلی نوشته شده است ولی به طور خاص، پژوهشی که در ارتباط با تغییرات هندسه سرزمین سوریه و اسرائیل و سودان انجام گرفته باشد یافت نشد. لاجرم این مقاله نخستین تحقیق علمی است که در ارتباط با موضوع مذکور، حداقل در ایران انجام گرفته است و از آنجایی که با رویکرد به نظریه گسلهای ژئواستراتژیک به موضوع مقاله پرداخته شده به جنبه نوآوری مقاله می‌افزاید. با توجه به ماهیت موضوع، این مقاله با روش کیفی و با ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایتهای اینترنتی با رویکردی به نظریه ژئوپولیتیکی (مدل فضایی گسلهای ژئواستراتژیک فعال جهان) به واکاوی تغییرات هندسه سرزمین در برخی کشورهای اسلامی (سودان جنوبی و

بلندیهای جولان) بعد از ۱۱ سپتامبر (۲۰۱۹-۲۰۰۱) پرداخته است. پرسش اصلی در این پژوهش این است که آیا هندسه سرزمین برخی کشورهای اسلامی در خاورمیانه و شرق آفریقا بعد از سال ۲۰۰۱ تغییری داشته‌اند؟ انگاره پژوهش این است که در هندسه سرزمین برخی کشورهای اسلامی در خاورمیانه و شرق آفریقا بعد از سال ۲۰۰۱ تغییری اتفاق افتاده است.

## چارچوب نظری

### ۱. هندسه سرزمین و مرز

سرزمین کشورها از نظر هندسی دارای فرم و شکل و ابعادی می‌باشد، همان طور که از نظر لغوی در معنای واژه مرکب سرزمین، نیز مفهوم بُعد مستتر است. «در سرزمین به طور مستقیم کلمه زمین به کار رفته است و در ترکیب با کلمه‌ی سر معنای قطعه زمینی را که ابعاد آن مشخص است به ذهن متبادر می‌کند» (زه‌دی‌گهرپور و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۱). مقصود از شکل هندسی سرزمین، فاصله قطره‌های یک کشور تا مرکز جغرافیایی آن است (عزتی، ۱۳۸۰: ۹۰) و منظور از هندسه مرز، نحوه‌ی قرارگیری مرز بر روی زمین است که با توجه به انواع مختلف مرز، می‌تواند به شکل‌های محدب، مقعر و یا خط صاف باشد. به طور خاص برای ترسیم مرز هندسی در «جایی که استفاده از عوارض طبیعی برای تعیین خط مرزی ممکن نباشد، از خطوط نصف‌النهار، مدارها و یا خطوط مستقیم و مدور استفاده می‌کنند» (پیردشتی و کمری، ۱۳۹۴: ۱۷). به نظر می‌رسد که اعتقاد بر این است که سرزمین کشور واجد شرایطی<sup>۱</sup> است، همچنین به نظر می‌رسد که این فرض استوار است که سرزمین یک کشور، شیء دو بُعدی است. سرزمین کشور یک شیء سه بُعدی است که شکل آن می‌تواند به یک گوه شکافته شده نزدیک باشد. به علاوه مرزها علیرغم ظاهر شدن به عنوان خطوط در نقشه، حالت یک خط یک بُعدی نیستند، بلکه یک سطح دو بُعدی‌اند. بعضی از ادبیات جغرافیایی به این موضوع به عنوان یک سطح مرزی عمودی اشاره دارند که از طریق فضای هوا، زمین و زیرزمین بریده می‌شود. با این حال، اصطلاح "سطح"<sup>۲</sup> ممکن است به این معنا باشد که مرز بین کشورها باید یکنواخت و یا مسطح<sup>۳</sup> باشد. این ممکن است موردی باشد که یک خط، مانند یک خط از طول یا عرض جغرافیایی، برای تعریف یک مرز استفاده می‌شود (و بنابراین بیرون‌رفتگی<sup>۴</sup> در جو) آن خط در اتمسفر، منجر به یک سطح صاف می‌شود)، اما ممکن است دقیقتر نباشد که این بیرون‌رفتگی را به منحنی، قوس یا بیشتر به خط طبیعی، مانند زیر یک رودخانه، توصیف کرد. سطح مرزی به طور مستقیم از سطح زمین به مرکز زمین می‌رود. این حاصل امر انسان است که باعث انحراف انفصال فیزیکی ساختار زمین‌شناسی می‌شود. سطوح مرزی کشور به زیر سطح زمین، قطعی است. این که آیا سرزمین یک کشور به مرکز زمین گسترش می‌یابد یا خیر، یا آیا مرکز زمین تنها به عنوان بخشی از تعریف ریاضی که با سطح مرزی کشور مطابق نیست، مورد استفاده قرار می‌گیرد یا خیر. اگر سرزمین یک

<sup>1</sup>. Bona Fide

<sup>2</sup>. Plane

<sup>3</sup>. Flat

<sup>4</sup>. Extrusion

کشور به مرکز زمین گسترش نیافته باشد، و به جای آن تنها به یک عمق خاص گسترش می‌یابد، که این عمق فقط برای ایجاد یک مرز دیگر برای سرزمین کشور عمل می‌کند (Robinson, 2012 : 97).

## ۲. هندسه سرزمین و فهم نقشه سیاسی

نقشه‌های کنونی که با اتکاء سیستم مرکاتور طراحی شده‌اند به گونه‌ای هستند که روسیه و آمریکا را بزرگ‌تر از آفریقا نشان می‌دهند در حالی که چنین نیست. نکته دیگر اینکه آفریقا ۱۴ بار بزرگ‌تر از گرینلند است ولی روی نقشه هم‌اندازه نشان داده شده‌اند. برزیل ۵ برابر بزرگ‌تر از آلاسکا است اما روی نقشه آلاسکا بزرگ‌تر نشان داده شده است. در این نقشه‌ها، کشورهای اسکانندیناوی بزرگ‌تر از هند نمایش داده شده‌اند ولی هند ۳ برابر بزرگ‌تر از کشورهای اسکانندیناوی است. از سوی دیگر نقشه فعلی جهان طوری است که اروپا را بزرگ‌تر از آمریکای شمالی به تصویر کشیده است اما کاملاً برعکس است. روسیه نیز بزرگ‌تر از آفریقا نیست و در واقعیت آفریقا بزرگ‌تر از روسیه است. در جدیدترین نقشه‌ای که توسط نیل کای<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) محقق داده‌های آب‌وهوایی در اداره هواشناسی انگلیس طراحی و ارایه شده است نشان می‌دهد کشورها نزدیک نیمکره شمالی کوچک‌تر از تصور کنونی مردم هستند. البته نقشه وی نیز بی‌عیب نیست و انتقاداتی بر وی وارد شده است. محقق انگلیسی پس از انتشار این نقشه با کامنت‌های متفاوتی از سوی کاربران ردیت مواجه شد که نشان می‌دهد برخی کشورهای جهان در این نقشه وجود نداشته و یا مناطقی از روسیه و اروپا را به طور کامل به صورت منطقه‌ای پر از آب نشان می‌دهد. محو شدن بنگلادش با ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت نیز جالب است. به گزارش خبرآنلاین، وی این کار را با قرار دادن دیتای واقعی روی اندازه هر کشور و وارد کردن آن در Ggplot (داده‌ها را برای برنامه‌نویسی آماری تبدیل می‌کند) انجام داده است (تمام نقشه‌های کشورهای جهان تاکنون اشتباه بوده است؟ نقشه ادعایی را ببینید، ۱۳۹۷/۷/۲۸،

<https://www.khabaronline.ir>).

قابل ذکر است که در فهم نقشه سیاسی، سیاست نقشه نیز مهم است؛ سیاست نقشه یعنی «همان سیاست‌های جغرافیایی؛ یعنی انتخاب و اتخاذ سیاستی که یک استراتژی را تدوین کند. استراتژی که موافق با جایگاه جغرافیایی باشد. یعنی جایگاه جغرافیایی که اجازه تدوین این استراتژی را بدهد. در واقع سیاست، قدرت را تولید می‌کند» (عزتی، ۱۳۸۹، جزوه درسی قدرت و سیاست نقشه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران). قدرت با حوزه/حوضه نفوذ جغرافیایی ارتباط دارد. افزایش و اندازه‌های تحت نفوذ یک کشور به تولید و تمرکز قدرت ملی آن می‌انجامد و با کاهش آن قدرت ملی کشور مربوطه، دچار نقصان خواهد شد. بین فاصله جغرافیایی و انتشار قدرت، رابطه معکوس و بین فاصله جغرافیایی و هزینه انتشار قدرت، رابطه مستقیم وجود دارد. رابطه بین فاصله و قدرت و فضاهای متداخل و نیز رابطه بین هزینه و اعمال قدرت توسط پاتریک اسولیوان در کتاب ژئوپولیتیک (۱۹۸۶)، در قالب مدل‌های کمی، تئوریزه شده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۲۹۷-۲۹۶).

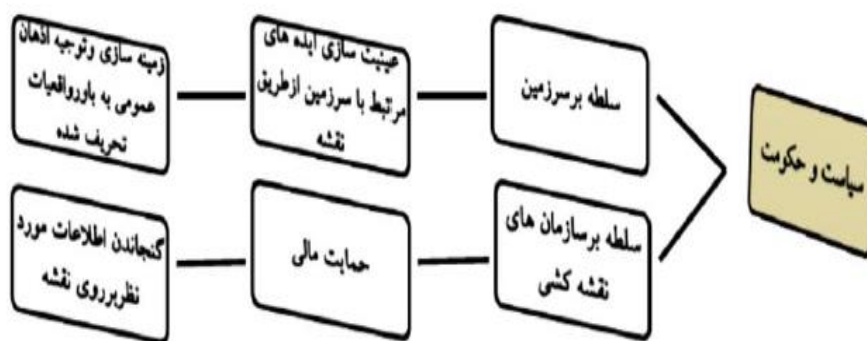
<sup>۱</sup>. Neil kaye

نقشه کشورها با توجه به هندسه سرزمین (وسعت و نوع مرزها) ترسیم می‌شود. شکل سرزمین کشورها در تولید قدرت ملی برای حکومت‌ها نقش مهمی دارد و نقشه در تولید قدرت، تأثیر گذار است. با توجه به این مسأله، شاید صریح‌ترین مطلب درباره اهمیت سیاسی نقشه را، لاکوست (۱۹۷۳) بیان کرده باشد: «مهم است که ما درباره‌ی این حقیقت، آگاهی یافته (یا دوباره آگاهی یابیم) که نقشه - و شاید مرجع اصلی جغرافیا- اساساً ابزاری برای قدرت بوده و هست. نقشه امری انتزاعی از واقعیتی غیرانتزاعی است که طرح‌ریزی یا انگیزه‌ی آن، ناشی از علایق واقع-بینانه‌ی (سیاسی یا نظامی) است؛ نقشه، نحوه‌ای از نشان دادن فضا است که اعمال سلطه و نظارت بر آن را تسهیل می‌کند. پس ترسیم نقشه به معنای تعریف رسمی فضا در طول خطوطی است که در چارچوب تجربه معرفت‌شناختی خاصی جای می‌گیرند. نقشه، در عمل، یک قطعه‌ی کم شناخته شده را از واقعیت غیرانتزاعی، به یک امر انتزاعی که در خدمت علایق عملی مشایین حکومت است، انتقال می‌دهد. نقشه‌کشی یک عملیات خسته‌کننده و پرهزینه است که برای حکومت و [توسط] حکومت انجام می‌شود» (مویر، ۱۳۷۹: ۳۸۰-۳۷۹).

در نقشه‌ی سیاسی، یکپارچگی سرزمینی و موقعیت کشور باعث قدرتمندی کشور می‌شود؛ حال اگر بخشی از سرزمین یک کشور جدا شده یا داعیه‌ی جدایی (قوم‌گرایی) داشته باشد، ناشی از عدم تمرکز سیطره قدرت حکومت در تمام گستره‌ی سرزمین است. «اگر روزی ما شاهد تغییرات عظیمی در نقشه‌ی سیاسی جهان شویم، باید اطمینان داشته باشیم که پیش درآمد آن، اختلافات قوی و عدم‌همگرایی جهانی، حداقل در رابطه با مسایل انسانی، بر محوریت [قوم‌گرایی] است. [در محدوده‌ی خاورمیانه این وضعیت را می‌توان مشاهده کرد.] خلاصه اینکه، این تحولات روزبه‌روز اشکال بسیار پیچیده‌ای پیدا می‌کنند. حتی ممکن است شکل خارجی آن روی نقشه سیاسی جهان نامرئی باشد ولی عملکرد آنها قابل رؤیت باشد. در آینده، نقشه‌ی سیاسی‌ای عامل قدرت است که غیرقابل رؤیت باشد، همچنین باید در داخل واحدهای سیاسی به تجزیه قدرت حکومت مرکزی پی‌برد نه چیز دیگر» (عزتی، ۱۳۹۰، جزوه درسی قدرت و سیاست نقشه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران). پارکر<sup>۱</sup> (۱۹۸۲) نیز بیان می‌کند که: «ابزار اصلی ژئوپولیتیک، نقشه‌ی سیاسی جهان است» (عزتی، ۱۳۸۶: ۱۴۵). نقشه‌ی سیاسی جهان طی این سال‌ها با توجه به جدایی‌طلبی‌ها و شکل‌گیری برخی سرزمین‌ها در قاموس یک کشور مستقل، تغییرات و تحولات زیادی را نشان داده است. البته «تا سال ۱۹۵۹ نقشه‌ی سیاسی جهان به دلیل نقش بازدارندگی سلاح‌های هسته‌ای بدون تغییر باقی مانده [بود، اما به این] مفهوم نیست که این وضعیت دستخوش تحول نبوده است» (کلاوال، ۱۳۹۴: ۱۷).

---

<sup>۱</sup>. Parker, W. H.



نمودار شماره ۱: جایگاه نقشه در چرخه قدرت

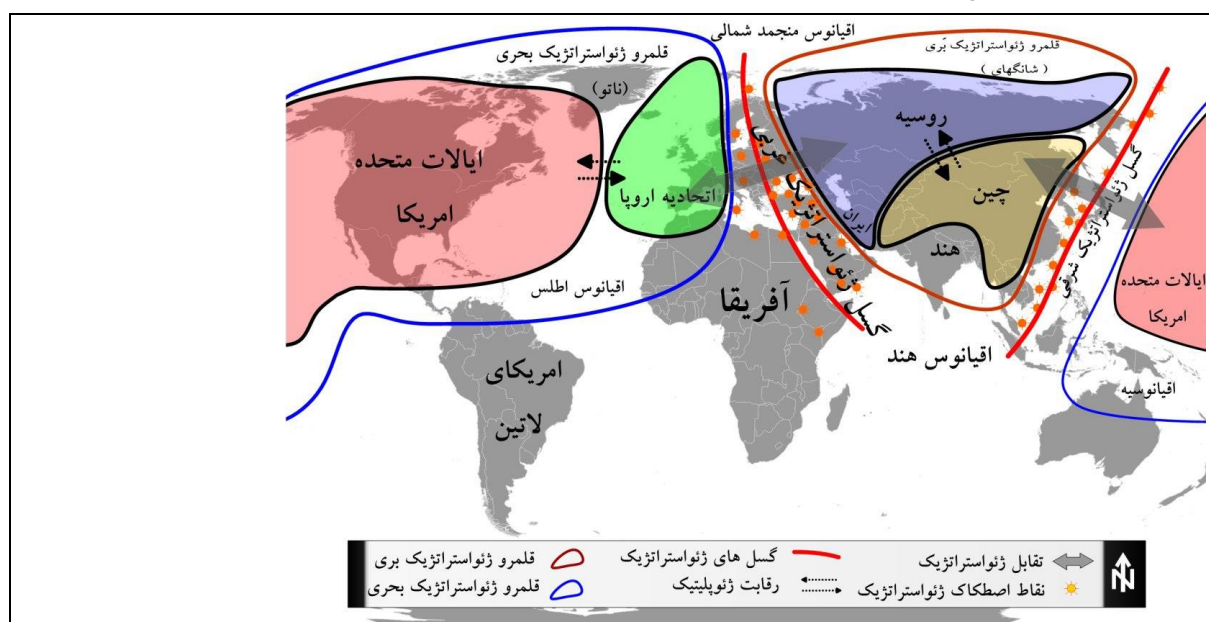
بدیعی ازندهای و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۹۵

### ۳. مدل فضایی نظریه گسل‌های فعال ژئواستراتژیک جهان

در این مقاله، اهمیت مناطق مورد بررسی با رویکرد به مدل فضایی نظریه گسل‌های فعال ژئواستراتژیک جهان از حافظنیا (نقشه شماره ۱)، تبیین شده است. در این نظریه و مدل، گسل‌های ژئواستراتژیک فعال در جهان، دو مورد هستند که یکی گسل غربی است که در سطح اتصال قاره‌های اوراسیا، اروپا و آفریقا قرار دارد و دیگری گسل شرقی که در سطح اتصال خشکی اوراسیا با اقیانوس کبیر قرار دارد. بازیگران اصلی در رقابت استراتژیک در گسل غربی آمریکا و هم پیمانانش و روسیه و هم پیمانانش می‌باشند. همان گونه که در این نظریه آمده است برای روسیه، ۵ مکان و فضای جغرافیایی دارای اهمیت و حساسیت هستند. سواحل [غربی] سوریه در [شرق] دریای مدیترانه به ویژه طرسوس و لاذقیه، یکی از این ۵ مکان و فضای جغرافیایی هستند، در مقابل آمریکا و متحدان استراتژی بحری تلاش می‌کنند تا این مکانها را از دست قدرت بری خارج کنند که نمودهای عینی این تلاشها در بحران اوکراین (۲۰۱۴)، شرق مدیترانه و سوریه قابل مشاهده هستند (حافظنیا، ۱۳۹۵: ۷-۲). در تازه‌ترین اقدام روسیه برای رقابت با رقیبانش، اجاره بندر طرسوس به مدت ۴۹ سال از سوریه است. لیکن تغییرات هندسه سرزمینی مورد بررسی در این مقاله یعنی بلندیهای جولان و سودان جنوبی در شرق آفریقا، هر دو در گسل غربی قرار دارند که برای قدرت‌های بری و بحری دارای اهمیت هستند.

منطقه ژئوپولیتیکی خاورمیانه و شرق آفریقا در گسل غربی قرار دارند، در این منطقه، آمریکا پیش‌بینی می‌کند و واهمه دارد از اینکه قدرت هارتلند از طریق خشکی توسعه پیدا کند درحالی‌که [روسیه] از نفوذ آمریکا در کشورهای مرزی که برای امنیت این کشور اهمیت حیاتی دارند، شدیداً بیمناک است. هدف اصلی استراتژیک [روسیه] در خاورمیانه، جلوگیری از ایجاد پایگاه در منطقه است. پایگاه‌هایی که با استفاده از آنها می‌توان، مکان‌های مرکزی [روسیه] را مورد حمله قرار داد. هرچند از سوی نیروهای زمینی متعارف در خاورمیانه هر گونه تهدید فوری برای [روسیه] وجود ندارد، اما ترس از فروش تسلیحات سنگین از طرف آمریکا به این کشورها، قابل توجه است. به علاوه این تسلیحات در صورت جنگ می‌تواند از پایگاه‌های آمریکا، علیه این کشور استفاده شوند. کشورهای مشترک‌المنافع که زمانی جزء سرزمین شوروی بوده‌اند، این تصور را دارند که هر گونه تهدید علیه آنها روسیه را

خشمگین و وادار به واکنش می‌کند؛ همان‌گونه که روسیه در بحران اوکراین (۲۰۱۴) با بازپس‌گیری شبه‌جزیره کریمه و انضمام آن به سرزمین اصلی و یا اتفاقات گرجستان (۲۰۰۸) نشان داده است. با وجود ایجاد پایگاه‌های نظامی و جنگ در خاورمیانه، فاصله نزدیکترین نقطه سرزمین شوروی سابق با برخی مکان‌ها از جمله تهران کمتر از ۳۲۰ کیلومتر، ۴۸۰ کیلومتر تا شمال سوریه، ۸۰۰ کیلومتر تا مدیترانه و ۹۶۰ کیلومتر تا خلیج فارس در امتداد خط مستقیم، می‌باشد (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۰: ۴۵-۳۶). بنابراین در گسل غربی، آمریکا و متحدانش در شرق آفریقا و در شکل‌گیری کشور سودان جنوبی بیشتر نقش‌آفرینی کرده‌اند که با توجه به اینکه مصر به عنوان متحد آمریکا می‌باشد، این نقش‌آفرینی تسهیل شده است؛ اما با توجه به سوریه به عنوان متحد روسیه، در خاورمیانه و در شرق مدیترانه، روسیه، نقش‌آفرینی بیشتری را دارد. لاجرم با توجه به مسابقه میان ابرقدرت‌ها برای حضور در مناطق ژئواستراتژیک به ویژه در خاورمیانه، یکی از سناریوهایی که طرح می‌کنند، تغییرات در هندسه سرزمین و تجزیه کردن کشورهای اسلامی است تا بهتر بتوانند بر مناطق و کشورها تسلط داشته باشند.



نقشه شماره ۱: مدل فضایی نظریه گسلهای فعال ژئواستراتژیک جهان

بازترسیم: نویسندگان، منبع: حافظ‌نیا، ۱۳۹۵: ۲

### محیط‌شناسی تحقیق

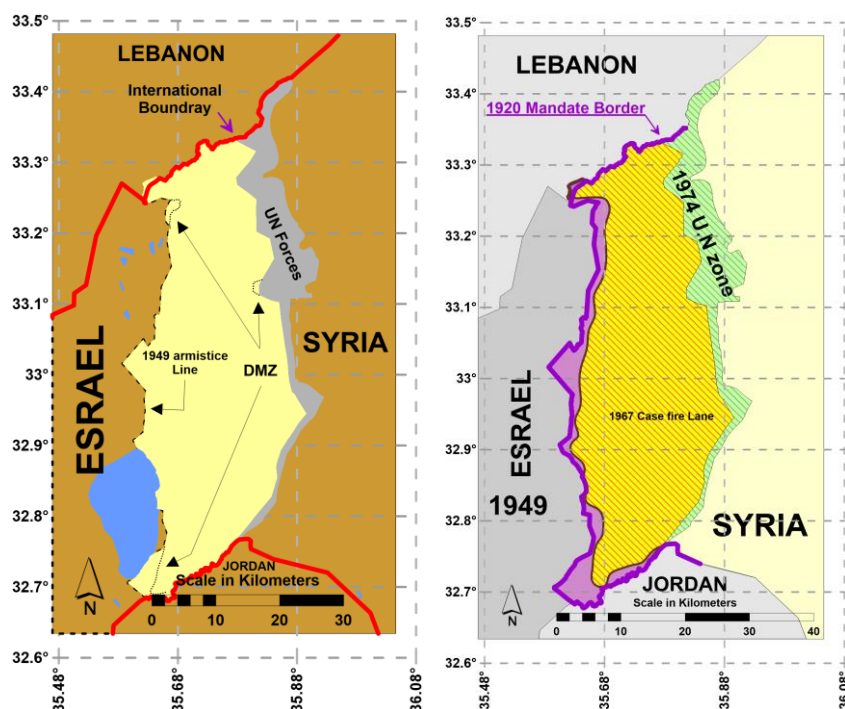
در این مقاله، بلندیهای جولان و سودان جنوبی سرزمین‌هایی هستند که تغییرات هندسی آنها بررسی شده‌اند. در معرفی بلندیهای جولان باید اشاره کرد که این منطقه به عنوان بخشی از سرزمین سوریه می‌باشد که توسط اسرائیل اشغال شده است. بلندیهای جولان که جولان نیز نامیده می‌شود از نظر جغرافیایی، از غرب با رود اردن و دریاچه گالیله<sup>۱</sup> (به عربی طبریه)، از شمال با کوه حرمون<sup>۲</sup> (جبل‌الشیخ)، از شرق با رودخانه فصلی وادی‌الروقد<sup>۳</sup> (شاخه

<sup>۱</sup>. Jordan River & Sea of Galilee

<sup>۲</sup>. [Mount Hermon](#)

<sup>۳</sup>. Wadi Al-Ruqqād

شمالی - جنوبی رودخانه یرموک) و از جنوب با رودخانه یرموک<sup>۱</sup>، احاطه شده است. طول آن از شمال به جنوب حدود ۷۱ کیلومتر و از شرق به غرب در حدود ۴۳ کیلومتر است (<https://www.britannica.com/place/Golan>, 2019). مساحت تقریبی آن ۱.۲۷۶ کیلومترمربع است که با لبنان، اردن و اسرائیل هم مرز است. معنی لغوی جولان به معنی خاکی که به وسیله باد در سطح زمین جابجا می-شود و یا بر موضع، کوه یا روستایی در شام اطلاق می-شده است. همچنین وجه تسمیه آن از جولان دادن اسبها و لشکریان در جنگ یرموک نیز گرفته شده است (دانشنامه جهان اسلام، <http://rch.ac.ir>). وجه تسمیه دیگری که برای آن مطرح است اینکه از نام شهر مقدس پناهگاه جولان در باستان گرفته شده است (<https://www.britannica.com>, Mar 13, 2019). (نقشه شماره ۲ را ببینید). اما سودان جنوبی به عنوان یکی از کشورهایی است که تازه تأسیس می-باشد، در حال حاضر این کشور به نام جنوب سودان و یا سودان جنوبی نامیده می-شود و پایتخت آن شهر جوبا است. تنوع زیستی غنی این کشور شامل دشتهای سرسبز، باتلاقها و جنگل-های بارانی است که بسیاری از گونههای حیات وحش در آن زندگی می-کنند (<https://www.britannica.com/place/South-Sudan>). جمعیت سودان جنوبی ۸.۲۶۰.۴۹۰ در سال ۲۰۱۸ نفر بوده است که در مساحتی معادل ۶۱۹.۷۴۵ کیلومترمربع قرار گرفته‌اند ([https://www.aftabir.com/articles/view/politics/world/c1\\_1349555770p1.php](https://www.aftabir.com/articles/view/politics/world/c1_1349555770p1.php)). (نقشه شماره ۴ را ببینید). در یافته‌های پژوهش این دو سرزمین بیشتر معرفی شده‌اند.



نقشه شماره ۲: موقعیت بلندیهای جولان و خطوط مرزهای آن و منطقه حایل

ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۷، <https://www.mehrnews.com/news/4365188/>

<sup>1</sup>. Yarmūk River



## یافته‌های تحقیق

منطقه ژئوپولیتیک خاورمیانه از بعد از جنگ جهانی دوم مهمترین منطقه ژئواستراتژیکی در جهان بوده است. دلایل مختلف در کانون مسایل ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیکی قرار گرفتن این منطقه را می‌توان وجود منابع انرژی، آمادگی برای پذیرش چالشها از سوی رهبران کشورهای این منطقه، دسترسی به آبهای گرم خلیج فارس، متصل کننده آسیا به اروپا و آفریقا و توجه به نظریات بری مکیندر، مرکز مرکز (خلیج فارس) لوهازن، بیضی انرژی کمپ،... ذکر کرد. کشورهای این منطقه ژئوپولیتیک در گذشته تاریخی، در قلمروهای دو امپراتوری هخامنشیان و بعداً عثمانی بوده‌اند که با تجزیه این امپراتوری‌ها، کشورهای کنونی شکل گرفته‌اند، به این معنی که از نظر شکل هندسی دچار تغییراتی شده‌اند. «به بیان صریح، خاورمیانه بزرگ از دیدگاه کاملاً جغرافیایی مکیندر، منطقه انتقالی ناپایدار نهایی است، ایستگاه واسطه وسیع بین دنیای مدیترانه‌ای و تمدن‌های چینی و هندی که تمام جابجایی‌های تاریخی سیاست روز را در خود ثبت می‌کند. اینها روی هم رفته، پیش‌نشانه‌ای از توصیف هودگسون از خاورمیانه بزرگ به عنوان اویکویمن<sup>۱</sup> دنیای باستان است که محل تولد سه [دین] بزرگ (یهود، مسیحیت، اسلام) بوده و به نقش محوری خود در [ژئوپولیتیک] از زمان باستان تاکنون ادامه می‌دهد» (کاپلان، ۱۳۹۷: ۶۹). باری این منطقه ژئوپولیتیک در طی تاریخ همواره دارای قبض و بسط هندسه سرزمینی بوده است. از شکل‌گیری کشورهای بحرین و جدا شدن آن از ایران تا جدا شدن عراق، سوریه، اردن، لبنان، فلسطین بر اساس قرارداد سایکس-پیکو از امپراتوری عثمانی بعد از جنگ جهانی اول می‌توان نام برد.

### ۱. تغییرات هندسه سرزمین در برخی کشورهای خاورمیانه (سوریه و اسرائیل) - بلندیهای جولان

یکی از کشورهایی اسلامی که هنوز دچار مشکلات سرزمینی است سوریه می‌باشد. بلندیهای جولان<sup>۲</sup> به عنوان بخشی از سرزمین این کشور، از سوی اسرائیل در سال ۱۹۶۷ در جنگ شش روزه با سوریه تسخیر شد و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی ۳۰ شهرک یهودی‌نشین در این منطقه ساخته شد و در دسامبر سال ۱۹۸۱ آن را ضمیمه خاک خودش اعلام کرد و آن را بازپس نداد و در سال ۲۰۱۹ از سوی دولت آمریکا و رئیس‌جمهور آن دونالد ترامپ به عنوان بخشی از سرزمین اسرائیل شناسایی گردید. از نظر اقتصادی، بلندیهای جولان بر مبنای هم‌کشورزی و هم‌صنعت، از جمله گردشگری است. ۸۱۰۰ هکتار زمین تحت کشت و تولید محصولات متنوعی از جمله انگور برای شراب است. بیش از ۶۶.۵۷۵ هکتار برای چرای گله‌ها اختصاص داده شده، و از ۱۵۰۰۰ رأس گاو و ۵۰۰۰ رأس گوسفند، برای هر دو تولید گوشت و لبنیات حمایت می‌شود. گاوهای شیری جولان حدود ۶۰ میلیون لیتر شیر در سال تولید می‌کنند. حدود ۳۰ شرکت صنعتی در جولان وجود دارد، که بیشتر در ناحیه صنعتی کاتزترین<sup>۳</sup> مستقر هستند. یک زیرساخت توریستی قابل توجهی در جولان وجود دارد، از جمله دامنه‌های اسکی در کوه هرمون، سایت‌های باستان‌شناسی، هتلها، رستوران‌ها، امکانات تخته‌خواب و صبحانه/اتاق مهمان در بسیاری از مجتمع‌ها و سه

<sup>۱</sup> Oikoumene: اصطلاح یونان باستان برای «گوشه مسکونی» جهان است. به منطقه معتدل آفریقا- آسیا که از شمال آفریقا تا غرب چین کشیده شده است، کمربندی که او آن را نیل تا اوکسوس می‌نامد (کاپلان، ۱۳۹۷: ۵۶).

<sup>۲</sup> Golan Heights

<sup>۳</sup> Katzrin Industrial Zone

انجمن حفاظت از مدارس برای مزارع طبیعی. همچنین امکاناتی برای تورهای جیب و دوچرخه و اسب سواری وجود دارد. اسرائیل ۱۳ منبع طبیعی - در مجموع ۲۴،۹۰۸ هکتار - در ارتفاعات تأسیس کرده است. موزه باستان-شناسی جولان در کاتزین واقع شده است. امروزه حدود ۲۲۰۰۰ عرب در بلندیهای جولان وجود دارد، از جمله حداقل ۱۷،۰۰۰ نفر دروزی، در آن زندگی می‌کنند. همچنین ۲۶ هزار یهودی در ۳۳ اجتماعات یهودی ساخته شده شامل (۲۷ کیبوتص و مشاوریم<sup>۱</sup>، ۵ سکونتگاه عمومی و شهرک کاتزین) در جولان و دامنه‌های کوه حرمون ساکن هستند. کاتزین شهردار و شورای محلی خود را دارد؛ ۳۲ اجتماعات دیگر از شورای منطقه‌ای بلندیهای جولان تشکیل شده است (<https://www.jewishvirtual library.org>)

هر چند بررسی سیر حضور تاریخی یهودیان و اعراب از چارچوب این مقاله خارج است ولی برای تحلیل بهتر موضوع مقاله، لازم است ذکر شود که شکل‌گیری دولت اسرائیل و صهیونیسم در سرزمین فعلی فلسطین یا ارض موعود که یهودیان مطرح می‌کنند در سال ۱۹۴۸ اتفاق افتاده است. «صهیونیسم به عنوان یک حرکت سیاسی در نیمه دوم قرن نوزدهم شروع به رشد کرد. در دهه آخر این قرن، فعالیت رهبران آن شدت گرفت و همزمان با آغاز جنگ جهانی اول، پیوند منافع قدرتهای بزرگ اروپا و آمریکا با حرکت صهیونیسم در خاورمیانه، [نهایتاً در پایان جنگ جهانی دوم] به ایجاد یک کشور یهودی در [سرزمین] فلسطین انجامید» (احمدی، ۱۳۸۸: ۳). البته این وجه سیاسی حضور آنها است ولی از دیدگاه فرهنگی، سکونت یهودیان در این منطقه به خیلی سالها قبل از این تاریخ بر می‌گردد. در سال ۱۸۹۴، بارون ادموند دو روچیلد<sup>۲</sup>، بانکدار فرانسوی یهودی، یک زمین بزرگ برای سکونت یهودیان در جولان خرید. او به دنبال گروه‌های دیگر در ایالات متحده، کانادا و اروپا نیز بود. پس از جنگ جهانی اول، جولان بخشی از سوریه تحت قیمومیت فرانسه بود و در سال ۱۹۴۱ به سوریه مستقل انتقال یافت. بعد از جنگ ۱۹۴۹-۱۹۴۸ اعراب با اسرائیل، سوریه غربی‌ترین قله جولان را با استحکاماتی تقویت کرد. (<https://www.britannica.com/place/Golan-Heights>, Mar 13, 2019) به هر روی، با بررسی سیر تاریخی اقوام عرب و یهود، بین ۱۰۰ تا ۴۰۰۰ سال قدمت میان آنها وجود دارد (درايسدل و بلیک، ۱۳۷۰: ۳۶۰).

در حال حاضر، دولت اسرائیل در بلندیهای جولان حضور دارد و آن را در اختیار گرفته است. از دلایل استراتژیک و قابل اهمیت این منطقه می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. وجود بلندی‌ها در مناطق مرزی، اشراف و برتری نیروهای نظامی یک طرف بر طرف دیگر را موجب می‌شود؛ ۲. فقدان عمق استراتژیک در اسرائیل، تل‌آویو را از منطقه جولان در معرض تهدید قرار داده و نزدیکی دمشق به جولان، همین شرایط را برای پایتخت سوریه، که در نزدیکی مرز قرار دارد، رقم زده است؛ ۳. وجود منابع طبیعی در این منطقه نیز سبب افزایش طمع صهیونیست‌ها برای تملک جولان شده است. جولان از لحاظ منابع آب منطقه‌ای و بادهای شدید با اهمیت است؛ از این رو، موقعیت مناسبی برای تولید انرژی برق از آب و باد به عنوان انرژی پاک دارد. ۴. و علاوه بر آن وجود حوضه‌های نفتی نیز در جولان اثبات شده است به‌طوری‌که رژیم صهیونیستی در سال ۱۳۹۲ با اعطای مجوز اکتشاف نفت به یک شرکت اسرائیلی-آمریکایی، اقدام به استخراج نفت از جولان کرد (بلندیهای جولان؛ یک خروج و آغاز جنگ

<sup>1</sup>. Kibbutzim and Moshavim

<sup>2</sup>. Baron Edmond de Rothschild

قدرت پنهان، ۱۳/۵/۱۳۹۷، <https://www.mehrnews.com/news/4365188>. با توجه به این موارد و اقدامات اشغالگرایانه دولت اسرائیل، به زعم کاپلان این کشور در خاورمیانه امری بسیار غیر طبیعی برای این منطقه ژئوپولیتیکی به نظر می‌رسد. مهمتر اینکه پیش‌بینی‌ها و تحلیل‌های چندی در ارتباط با آینده اسرائیل انجام گرفته است؛ برای مثال در سال ۲۰۰۵ بنیامین شوارتز سردبیر مجله آتلانتیک در مقاله‌ای با عنوان «آیا اسرائیل تا ۱۰۰ سال عمر خواهد کرد؟» نوشت: یهودیان به زودی در سرزمینهای کشیده شده از رود اردن تا مدیترانه را که اشغال کرده یا بر آن حکومت می‌کنند، به اقلیت تبدیل می‌شوند (براساس برخی محاسبات این موضوع هم اکنون اتفاق افتاده است)؛ بر مبنای نظر جمعیت‌شناسان، پیش‌بینی‌های انجام گرفته نشان می‌دهند که تا سال ۲۰۲۷ یهودیان فقط ۴۲٪ از جمعیت این ناحیه را تشکیل خواهند داد (کاپلان، ۱۳۹۷: ۲۴۹).

در نقشه شماره ۲، موقعیت جغرافیایی بلندیهای جولان (به رنگ زرد) مشاهده می‌شود. در این نقشه، خط قیمومیت<sup>۱</sup> سال ۱۹۲۰ به رنگ صورتی، خط صلح موقت<sup>۲</sup> در سال ۱۹۴۹ به رنگ بنفش، خط آتش‌بس<sup>۳</sup> سال ۱۹۶۷ به رنگ صورتی و منطقه حایل (UND<sup>۴</sup>) به رنگ سبز در سال ۱۹۷۴ ترسیم شده‌اند. منطقه حایل بر اساس توافق قطعنامه ۳۳۸ بین اسرائیل و سوریه که پس از جنگ یوم کیپور در اکتبر ۱۹۷۳ امضاء شد، سازمان ملل متحد در بلندیهای جولان ایجاد کرد که توسط نیروی ناظر سازمان ملل متحد تحت نظارت قرار گرفته است. مجوز UNDOF پس از آن هر شش ماه تمدید شد. در واقع UNDOF با قطعنامه ۳۵۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۳۱ می ۱۹۷۴ برای اجرای قطعنامه ۳۳۸ (۱۹۷۳) که خواستار آتش‌بس فوری و اجرای قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل بود، ایجاد شد. این ناحیه حایل حدود ۸۰ کیلومتر طول و بین ۰.۵ تا ۱۰ کیلومتر عرض دارد و مساحتی حدود ۲۳۵ کیلومترمربع دارا می‌باشد. این منطقه (نقشه شماره ۲) را خط بنفش در بخشهای اشغال شده اسرائیل در بلندیهای جولان و بقیه سوریه جدا می‌کند، جایی که خط غربی به نام "آلفا" و خط شرقی به عنوان "براوو"<sup>۵</sup> شناخته می‌شود. این منطقه همچنین با خط آبی لبنان<sup>۶</sup> با شمال مرز دارد و کمتر از ۱ کیلومتر با اردن در جنوب مرز دارد (<https://military.wikia.org/wiki>).

<sup>1</sup>. Mandate Line

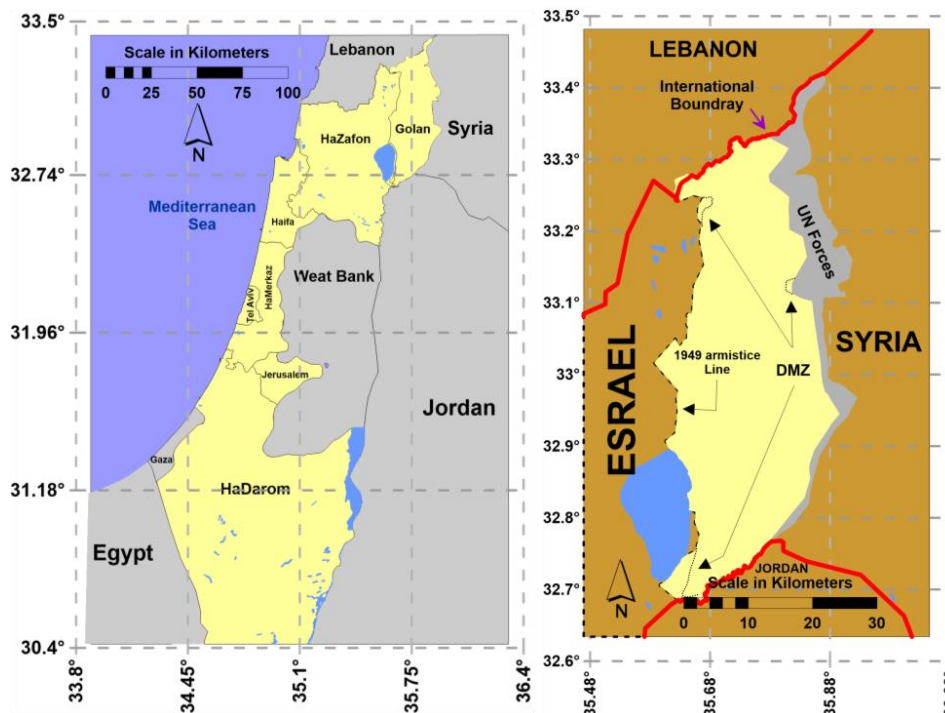
<sup>2</sup>. Armistice Line

<sup>3</sup>. Cease- Fire Line

<sup>4</sup>. United Nations Disengagement Observer Force

<sup>5</sup>. Bravo & Alpha

<sup>6</sup>. Lebanon Blue Line



نقشه شماره ۳: موقعیت بلندیهای جولان و نقشه ترسیمی آمریکا که جولان را به عنوان سرزمین اسرائیل شناسایی کرده است.

ترسیم : نگارندگان، ۱۳۹۷، برگرفته از; <https://images.search.yahoo.com/search/images>

## ۲. تغییرات هندسه سرزمین در شرق آفریقا (سودان)

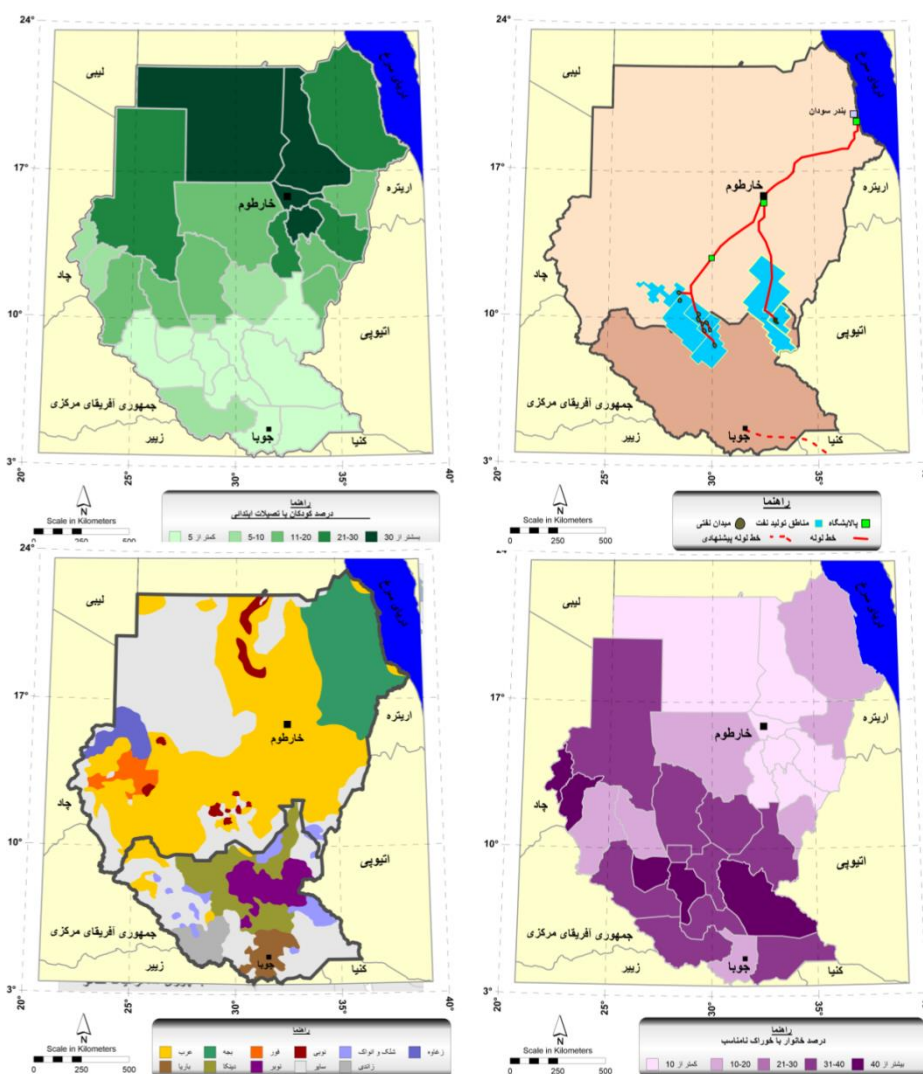
شرق آفریقا در سال ۲۰۱۱ شاهد شکل‌گیری کشوری جدید به نام جنوب سودان یا سودان جنوبی بود که از تغییرات سرزمینی با کشور سودان به وجود آمد. کشور سودان در سال ۱۹۵۶ به استقلال خود دست یافت، اما جنوب سودان در طی دوره‌های مختلف حکومت مرکزی با هژمونی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به حاشیه رانده شده بود (Kameir, 2016). ریشه جدایی دو سودان به جنگ‌های داخلی این کشور باز می‌گردد که از همان سال استقلال (۱۹۵۶) شروع شد. این جنگ‌ها تنها مربوط به دوران جدید سودان (روی کار آمدن عمرالبشیر) نمی‌شود و از زمان ریاست جمهوری جعفر نمیری آغاز شد. در ادامه در دهه آخر قرن بیست و یکم، مسایل سودان سبب گسترش جنگ، فقر و گرسنگی در بخش بزرگی از شرق آفریقا شد. مخالفان دولت اسلامی در جنوب، شرق و شمال سودان در سال ۱۹۹۶ موفق به ایجاد اتحاد بزرگی شدند و با همکاری اتیوپی، آمریکا، اسرائیل و مصر عرصه را بر خارطوم تنگ کردند. پس از استمرار جنگ داخلی، عمرالبشیر (رئیس‌جمهور سابق سودان) در سال ۲۰۰۵ زیر فشارهای ناشی از جنگ و اهرم‌های بین‌المللی، قرارداد صلح با شورشیان جنوب را پذیرفت. دولت سودان بر طبق توافقنامه صلحی که در نهم ژانویه ۲۰۰۵ در کنیا امضاء شد، متعهد گردید به مردمان جنوب سودان اجازه داده شود طی یک همه‌پرسی نظر نهایی خود را درباره این‌که با شمال متحد بوده یا استقلال کامل داشته باشند اعلام کنند. این همه‌پرسی در نهم ژانویه ۲۰۱۱ برای تعیین تکلیف قسمت جنوبی برگزار شد. بر اساس نتایج اعلام شده از میان سه میلیون و ۸۳۷ هزار شرکت‌کننده در این همه‌پرسی ۹۸٪/۸۳ به جدایی جنوب و ۱٪/۱۷ به اتحاد رأی داده‌اند که در

نتیجه تجزیه سودان به دو بخش شمالی و جنوبی تثبیت شد. سالوکر که قبل از استقلال این کشور، رهبر ارتش سابق شورشیان (SPLA - ارتش آزادیبخش سودان) را برعهده داشت به عنوان رئیس‌جمهور سودان جنوبی تعیین شد و قانون اساسی جدید این کشور را ابلاغ کرد. پرچم سودان جنوبی بیرق سابق جنبش آزادیبخش خلق سودان است که مدت‌ها رهبری آن بر عهده جان گارانگ بود. (<https://www.aftabir.com>, 1391) (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۲۱۵).

این کشور جدید، از نظر توسعه انسانی بسیار فقیر است. اما بیش از ۸۵٪ منابع نفت کل سرزمین سودان در این کشور قرار دارد و از آنجایی که فاقد پالایشگاه نفت می‌باشد برای صدور و تصفیه نفت به سودان وابستگی شدیدی دارد. ۶۰٪ جمعیت آن دارای دین مسیحی و ۴۰٪ آن دیگر ادیان هستند. رود نیل به عنوان منبع مهم آبی از آنجا که از تأمین کننده آب سودان جنوبی است برای این کشور بسیار با اهمیت است. انشعابات رود نیل تمام دشتهای سودان جنوبی را زیر آب برده است. این سیستم رودخانه‌ای از جنوب به شمال در طول کل بخش شرقی و مرکزی کشور گسترده شده است. در قلب این کشور یک دشت رسی است که مرکز آن یک منطقه باتلاقی فراوان است که به نام السودد<sup>۱</sup> شناخته می‌شود (<https://www.aftabir.com>) (<https://www.britannica.com/place/South-Sudan>). در نقشه‌های شماره ۴ می‌بینیم که وضعیت کشور سودان جنوبی نسبت به شاخصهای توسعه بسیار ضعیف است. بیش از ۴۰٪ جمعیت این کشور از غذاهای نامناسب استفاده می‌کنند و در فقر غذایی به سر می‌برند. فقط کمتر از ۵٪ کودکان در این کشور تحصیلات ابتدایی را گذرانده‌اند. از نظر منابع نفتی هرچند بیشتر ذخایر در کشور سودان جنوبی قرار دارند ولی پالایشگاه‌ها و خطوط انتقال نفت به دریای سرخ در کشور سودان و یا سودان شمالی قرار دارند. بنابراین از دیدگاه ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک این کشور فوق‌العاده آسیب‌پذیر می‌باشد. با توجه به آمار و ارقامی که توسط سازمانهای بین‌المللی نظیر فائو در رابطه با آسیب‌پذیری و ناامنی غذایی ارائه می‌گردند می‌توان دید که بیش از یک میلیارد از جمعیت جهان از ناامنی غذایی و فقر غذایی رنج می‌برند. به گونه‌ای که مبارزه با نابرابریها و دسترسی همگان به غذای مورد نیاز، جهان به ۷۰ تا ۱۰۰٪ غذای بیشتر احتیاج دارند (جان‌پرور و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۲). لاجرم سودان جنوبی در قاموس یک کشور جدید با مسایل عدیده‌ای دست به گریبان است که این مسایل می‌تواند این انگاره را شکل بدهد که دلیل تقسیم سودان به دو کشور، در راستای منافع ابرقدرتها بوده است. همچنان که «بسیاری از تحلیلگران، جدایی سودان جنوبی را نوعی توطئه غرب و به خصوص رژیم صهیونیستی علیه سودان می‌دانند و معتقدند این جدایی روندی استعماری است که در نظر دارد تا بخش‌های دیگری از سودان از جمله دارفور را هم جدا کند. به گفته آنان، تغییر نظام سودان در حقیقت مدخلی برای سیطره آمریکا و اسرائیل بر نفت این کشور و نیز تسلط آنها بر منابع آبی رودخانه نیل است که شاه‌رگ حیاتی کشور مصر به شمار می‌رود» (<https://www.aftabir.com>, 1391).

<sup>۱</sup>. Al-Sudd

به علاوه باید با این نکته نیز اشاره کرد که کشورها پس از به وجود آمدن، برای تداوم حیات خود به هماهنگی و همسویی ملی نیاز دارند و این مسأله در حالتی تحقق می‌پذیرد که حکومت علت وجودی یا اندیشه سیاسی خود، تابعیت مردم درون گستره قلمرو سرزمینی کشور را حتی آنها که وجوه مشترک ندارند، جذب کند و هویت ملی واحدی را ایجاد نماید. در واقع بعد از تأسیس، جدا از اینکه نوع شکل‌گیری چگونه بوده است (فروپاشی کشور مادر، استقلال‌خواهی و ...) مدت زمانی را برای اینکه نیروهای موجود درون کشور به آرامش دست یابند، علت وجودی قوی، بادوام و فراگیری برای خود به وجود آورند، هویت ویژه‌ای برای کشور بسازند، مردم و گروههای ساکن در سرزمین را با مرزهای جدید تطابق بدهند و ... نیاز دارند (جان‌پرور، ۱۳۹۶: ۲۰۱-۲۰۰).



نقشه شماره ۴: موقعیت جغرافیای انسانی و طبیعی کشور سودان و سودان جنوبی

ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۷، برگرفته از: <https://www.britannica.com/place/South-Sudan/>

## تجزیه و تحلیل

در این مقاله با بررسی موردی در دو منطقه از جهان یعنی شرق آفریقا و خاورمیانه که قلمروهای کشورهای اسلامی هستند، مشاهده می‌شود که هندسه سرزمینی برخی کشورهای اسلامی تغییر یافته یا در آینده نیز تغییراتی خواهند یافت. برای ورود به بحث، این تغییرات را با این پرسش که چرا با توجه به حق تعیین سرنوشت که برای تغییرات سرزمینی در کشورهای اسلامی از سوی ابرقدرتها مطرح می‌شود و نقشه‌های جغرافیایی قومی- مذهبی ترسیم می‌کنند ولی در قلمروهای سرزمینی خودشان (اروپا) این حق تعیین سرنوشت، اعمال نمی‌شود، نیز می‌توان مورد توجه قرار داد. نقشه‌ی ترسیم شده از خاورمیانه که عربستان سعودی، عراق و ایران را تقسیم کرده‌اند و ۱۹ منطقه خودمختاری که در اروپا داعیه جدایی طلبی دارند ولی از سوی حاکمان آنها مسکوت مانده است از موارد تفاوت قابل شدن در معنی تعیین حق سرنوشت از سوی ابرقدرتها در نظام جهانی است. تعیین حق سرنوشت زمانی سر بر می‌آورد که بخشی از مردم ساکن در یک گستره سرزمینی از سوی حکومت مورد توجه قرار نگیرند و در واقع هویت آنها به عنوان اقلیت مورد توجه نباشد. آنچه که در رابطه با مردم ساکن در بخش جنوبی سودان به عنوان مردمی با دین اکثریت مسیحی، از سال ۱۹۵۶ و همچنین از سوی حکومت عمر البشیر، در چارچوب یک کشور واحد دیده نشد و همواره با هژمونی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به حاشیه رانده شده بودند.

می‌توان تفاوت و تفسیر به رأی مفهوم و اصل حق تعیین سرنوشت از سوی ابرقدرتها را در نوشته‌های هودگسون<sup>۱</sup> جستجو کرد. هودگسون (۱۹۷۴) در کتاب سه جلدی خودش با عنوان «ماجرای اسلام؛ وجدان و تاریخ در تمدن جهان<sup>۲</sup>» که بیشتر مطالب آن را در دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۵۰ در همان زمانی که تحولات شگرفی در جهان در حال اتفاق افتادن بود نوشت؛ در جلد اول این کتاب اشاره می‌کند که نگاه اروپا محور به جهان، با تعصبی ذاتی در کنوانسیون‌های نقشه‌کشی، همیشه نادرست بوده است. این پوچی نگاه به جهان با استفاده فزاینده از نقشه معوج از جهان (با سیستم تصویر مرکاتور) پنهان گردید. در این سیستم تصویر، اروپا به صورت مصنوعی بزرگتر از کل آفریقا به نظر می‌رسید و هند که دیگر شبه‌قاره اوراسیایی بود به صورت کاملاً کوچکی تصویر می‌شد (کاپلان، ۱۳۹۷: ۵۶-۵۵). باید گفت که ضعف سرزمینی و وسعت کوچک کشورهای اروپایی، می‌تواند یکی از دلایلی باشد که باعث شده است تا برای هندسه سرزمین کشورهای اسلامی همواره نسخه‌هایی را بیچند؛ به گونه‌ای می‌خواهند در وسعت سرزمینی همسان‌سازی کنند! جرد دایموند<sup>۳</sup> در کتاب اسلحه، میکروب و فولاد (۱۹۹۷) معتقد است، اروپا هرگز از وحدت سیاسی برخوردار نبوده است: در قرن چهاردهم میلادی ۱۰۰۰ دولت و در سال ۱۵۰۰ میلادی ۵۰۰ دولت کوچک مستقل در این قاره وجود داشت که در دهه ۱۹۸۰ میلادی به دستکم ۲۵ [کشور] کاهش یافت و در حال حاضر ۴۰ [کشور] و ۴۵ زبان که هر کدام الفبای تغییر یافته خاص خودشان را دارا هستند، دارد. این تنوع و تطور فرهنگی، همچنان هست و اقدامات ناچیز جامعه اقتصادی اروپا را برای اتحاد این قاره بی‌نتیجه گذاشته است که نشانه تعهد ریشه‌دار اروپا به عدم وحدت است (دایموند، ۱۳۹۶: ۵۲۵).

<sup>۱</sup>. Marshall G. S. Hodgson

<sup>۲</sup>. The Venture of Islam : Conscience and History in a World Civilization

<sup>۳</sup>. Jared Mason Diamond

تقسیم و تجزیه هندسه سرزمین یک کشور در شدت و ضعف قدرت، برای هر دو کشور منتج از تقسیم، تأثیرات چندی دارد. یکی از مؤلفه‌هایی که بر این شدت و ضعف قدرت تأثیر می‌گذارد، داشتن/نداشتن منابع غذایی و به طور کلی منابع طبیعی است. در واقع، «منشأ قدرت، احساس بی‌نیازی از دیگران است. قدرت عامل حیات و بقاء است. بنابراین محبوب انسان‌ها، گروه‌ها و دولتهاست. موجود فاقد قدرت، محکوم به فناست و گزینه میل به حیات، انسان را وادار به کسب قدرت می‌کند» (قالیباف و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۶). در کسب این قدرت، قطعاً منابع غذایی اولویت و ارجحیت دارند. به همین دلیل در تعاریف مختلف از ژئوپولیتیک و تفسیر آن، غذا و امنیت غذایی، مدام مورد تأکید اندیشمندان می‌باشد. مسأله‌ای که در سودان و سودان جنوبی مشهود است. لاجرم دنیای کنونی دنیایی است که در آن، مرگ‌ومیر ناشی از گرسنگی، از مرگ‌ومیر ناشی از جنگ‌ها در سراسر جهان بیشتر است. این همان «سونامی در سکوت است» که سخنگوی سازمان ملل برای اینکه در مورد بحران غذایی در جهان هشدار دهد، از آن سخن گفته است. در واقع، بحرانهای ۶ گانه غذا، آب، تغییرات اقلیمی، انرژی، شهرهای ناپایدار و جنگل، در قرن بیست‌ویکم، پایه مسایل و چالشهای جوامع انسانی را در سطوح و فضاهای مختلف فراهم آورده و زمینه‌ساز شکل-دهی به کشمکشها و چالشها در فضاهای جغرافیایی مختلف هستند (جان‌پرور و دیگران، ۱۳۹۶(الف): ۱۶۲) این سونامی در سکوت را در کشور سودان جنوبی با توجه به فقر، ضعف مواد غذایی و بیسوادی کودکان می‌توان تبیین کرد. به هر حال، تعریف و توصیف روابط میان قدرت، سرزمین، مناقشه و موقعیت در طی تاریخ، همواره در تمام دنیا، از سوی اندیشمندانی مورد توجه بوده است. همان گونه که مفاهیم مرتبط با تفکر ژئوپولیتیکی در نوشته‌های ارسطو، ماکیاولی، کنفوسیوس و دیگران در ادوار مختلف تاریخی مشاهده می‌شود (برادن و شلی، ۱۳۸۳: ۲۸).

در ارتباط با تغییرات هندسه سرزمین کشورهای اسلامی، به نظر نویسندگان مقاله، یکی از بهترین تفسیرها و تعبیرها را درایسدل و بلیک (۱۹۸۵) ارائه کرده‌اند؛ آنها بیان می‌کنند که: «چشم‌انداز جغرافیای سیاسی معاصر خاورمیانه و شمال آفریقا، جدیدترین جلوه الگوی مدام در تغییر ترتیبات فضایی-سیاسی است که برای بیش از ۵ هزار سال در جریان بوده است. جغرافیای تاریخی منطقه پیچیده است. اگر امکان داشت با یک ابتکار جالب سینمایی فیلمی یک ساعته از تغییرات تاریخی نقشه سیاسی منطقه تهیه کرد، یک اثر دیدنی و مهیج به وجود می‌آمد. دولتها و امپراتوریه‌ها، اینجا و آنجا، ظاهر می‌شوند، گسترش پیدا می‌کنند، تغییر شکل [می‌یابند] و سپس ناپدید می‌گردند. برخی از کشورها در اثر تهاجم خارجی از بین می‌روند، در صورتی که بعضی دیگر در اثر فشار از داخل شکسته شده، به قطعاتی تقسیم می‌گردند. در بیشتر اوقات، نقشه حکم یک زیبایی‌بین را دارد که در حال تغییر شکل و رنگ است» (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۰: ۵۷). از دلایل اینگونه ترسیم شدن نقشه‌های سیاسی از سوی استعمارگران را به خوبی در نوشته‌ی سیسیل رودز<sup>۱</sup>، امپریالیست انگلیسی می‌توان دید؛ به طوری که به هنگام نوشتن این مطالب از سوی او، هم-پالگی‌های (همراهی و هم مسلک شدن) بسیاری در آلمان و فرانسه به همراه داشت؛ رودز نوشت: «به باور من که ما برترین نژاد جهان هستیم، و ما هر چه بیشتر در سرزمینهای جهان بمانیم، به سود بشر است ... اگر خدایی وجود داشته باشد، از دید من کاری که دلش می‌خواهد انجام دهد این است که نقشه بریتانیای آفریقا را هر چه بیشتر به

<sup>۱</sup>. Cecil Rhodes



رنگ قرمز بدل کند ...» (استاوریانوس، ۱۳۹۵: ۳۱۰). این در حالی بود که، دولتمردان اروپایی به هنگام تعیین حق سرنوشت ملتها، به طور دوگانه، عمل می‌کردند. آنجا که ملتها جزء قاره اروپا بودند، آنها بر حق تعیین سرنوشت تأکید و پافشاری می‌کردند ولی آن هنگام که ملتها به قول خودشان جزء نژادهای پست‌تر بودند و خارج از اروپا بودند، به دیده اغماض به آن نگاه می‌کردند و گسترش‌خواهی رودز را می‌پذیرفتند و آن را توجیه‌پذیر می‌دانستند. برای مثال «گلاستون به دلیل هراس بلغاریان از سربازان مزدور سپاه عثمانی و سلطان خون‌آشام آن در قسطنطنیه، فریاد خروش سر داد. اما همین گلاستون، شورش مردمی در مصر را رد کرد و آن را کار چند افسر منفعت‌طلب ارتش به شمار آورد که به تشویق روشنفکران مصری که نماینده خودشان بودند، انجام گرفته است. به علاوه در هند، بریتانیایی‌ها، ملی‌گرایان اولیه در این کشور را با [حقارت]، «بنگالی‌های بیوی پر سروصدا» می‌نامیدند. [بنابراین] این عقلانی کردن، با این فرض که بلغاریها و مقدونی‌ها، آماده حق تعیین سرنوشت خود هستند ولی مصری‌ها و هندی‌ها این آمادگی را ندارند، چیرگی اروپا را بر جهان توجیه می‌کرد» (همان، ۳۱۰).

به هر روی، در خاورمیانه، اسرائیل بعد از شکل‌گیری، برای تسلط بیشتر، به اشغال بلندیهای جولان اقدام کرد. در واقع برخی از تندروهای آنها، از مرزها و هندسه سرزمینی‌شان، راضی نبودند. آنها هندسه سرزمین و نقشه سیاسی اسرائیل را دارای نواقصی می‌دیدند. سرزمین آنها از نظر وسعت، تا قبل از سال ۱۹۶۷ وسعتی برابر با ۲۰.۶۹۹ کیلومترمربع کمی بزرگتر از ایالت نیوجرسی آمریکا، داشت، علاوه بر وسعت کم، مرزهای آن، پر پیچ‌وخم و طولانی (۹۸۱ کیلومتر) و دارای شکل هندسی بسیار نامنظمی بودند (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۰، ۳۹۲)؛ ولی هم اکنون با احتساب مناطق اشغالی بلندیهای جولان و شرق بیت‌المقدس، ۲۲.۱۴۵ کیلومترمربع است که ۲۱.۶۷۱ کیلومترمربع آن خشکی است ([http://joghrafia\\_jahan.mihanblog.com](http://joghrafia_jahan.mihanblog.com)). این در حالی است که صلح میان اسرائیل، مصر و اردن ایجاد نخواهد شد مگر آنکه بیشترین مسائل سرزمینی، مورد مذاکره قرار گیرد و حتی امروز اگر رژیم‌های کنونی و دولت‌های فعلی تغییر یابند این صلح ممکن است ناپایدار باشد. مناطق مورد تصرف اسرائیل، ساحل غربی از اردن، نوار غزه از مصر و بلندی‌های جولان از لبنان و سوریه (فهیمی و حیدری‌فر، ۱۳۹۷: ۷۷) می‌باشند. به طور کلی اگر هندسه سرزمین و فهم نقشه سیاسی اسرائیل (قبل از ۱۹۶۷) را در ارتباط با اشغال‌گری‌های آنها تحلیل کنیم می‌توان از دلایل این مسأله به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تقریباً ۸۰٪ جمعیت اسرائیل تا قبل از اشغال بلندیهای جولان، در قسمتهای دشت ساحلی، به ویژه در حاشیه تل-آویو، که آن بین ۱۰ تا ۱۶ مایل متغیر است، متراکم شده بودند؛ از این رو خیلی از اسرائیلی‌ها از این وضعیت که در یک موقعیت فشرده در یک نوار باریک میان مدیترانه و اردن، قرار گرفته بودند و اعراب بر آنها اشراف داشتند، احساس آسیب‌پذیری می‌کردند؛ ۲. اورشلیم (بیت‌المقدس) بدون دقت لازم تقسیم شده بود، اینگونه که بسیاری از مکانهای مقدس و مهم یهودی در سمت و نزدیک مرز اردن قرار گرفته بودند و از دسترس آنها خارج شده بودند؛ در واقع برای رسیدن به شهر باید از داخل یک دالان پیش آمده عبور می‌کردند. جاده اصلی تل‌آویو از فاصله ۳ تا ۵ کیلومتری مرز اردن به طول ۳۲ کیلومتر می‌گذشت؛ ۳. در جنگ میان اسرائیل-سوریه، هر از چندگاهی از ارتفاعات جولان، سوریه شمال شرق اسرائیل را بمباران می‌کرده است. اسرائیلی‌های ساکن آنجا نیز از بقیه کشور جدا افتاده

بودند، چون حاشیه شمالی کرانه غربی با لبه‌ی جنوبی تپه‌های جلیله تلاقی می‌کند و در اینجا بسیاری از اعراب اسرائیلی به سر می‌بردند؛ ۴. موقعیتی که عیلات داشت، به طوری که در ۲۸۰ کیلومتری جنوب تل‌آویو و بر روی یک قطعه زمین در شعاع ۸ کیلومتری از مصر و اردن قرار گرفته است؛ به علاوه راه دسترسی به دریا هم از امنیت چندانی برخوردار نبود، برای اینکه کشتی‌های اسرائیلی مجبور بودند از آب‌های میان مصر و عربستان سعودی عبور کنند؛ ۵. نوار غزه در آن زمان زیر نظر مصر اداره می‌شد و با جمعیت چند صد هزار نفری فلسطینها تا ۵۶ کیلومتری تل‌آویو در امتداد جاده ساحلی پیش رفته بود؛ ۶. در مجموع، کالبد فضایی اسرائیل یک حس عدم امنیت و محاصره شدگی به وجود آورده است (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۰: ۳۹۳-۳۹۲).

لاجرم با توجه به این مسایل، دولت اسرائیل همواره به دنبال حفظ مناطق اشغالی هست که از بعد از سال ۱۹۴۸ در این بخش از خاورمیانه تصاحب کرده است. در حال حاضر هرچند دولت آمریکا به شناسایی بلندبهای جولان (۱۵ آذر ماه ۱۳۹۷) (نقشه شماره ۳) به عنوان بخشی از سرزمین اسرائیل اقدام کرده است ولی سازمان ملل و دیگر کشورها این اقدام را تأیید نکرده‌اند و آن را به عنوان بخشی از خاک سرزمین سوریه و یا مکانی اشغال شده می‌شناسند. این تلاشها و دیگر اقداماتی همچون دیوارکشی و ساخت حصار در کرانه غربی و شهرک‌سازیها، تلاشی بیهوده است؛ همان گونه که براساس نظر خود اسرائیلی‌ها، در طی این سالها، جمع‌بندی کلی در دورن جوامع سیاسی، نظامی و اطلاعاتی اسرائیل شکل گرفته است مبنی بر اینکه، اسرائیل باید از تمامی سرزمین‌های اشغالی عقب‌نشینی کند و اگر سریعتر این کار را انجام ندهد، در طی زمان به دولتی شبیه آپارتاید تبدیل خواهد شد. بر همین مبنا بود که به ساخت دیوار روی آوردند، حصاری که عملاً اسرائیل را از جمعیت در حال افزایش و محروم فلسطینی کرانه باختری منزوی می‌کند. آرتون سوفر<sup>۱</sup> جغرافیادان اسرائیلی این دیوار را آخرین تلاش نومیدانه برای نجات کشور اسرائیل می‌خواند (کاپلان، ۱۳۹۷: ۲۵۰).

لازم به ذکر است که دولت اسرائیل در تاریخ ۲۷ خرداد ماه سال جاری (۱۳۹۸) در ادامه حمایت دولت آمریکا در شناسایی بلندبهای جولان، بنیامین نتانیاهو یکی از شهرکها در بلندبهای جولان به نام قلیع را به اسم ترامپ نامگذاری کرد و دلیل این نامگذاری را توجه ترامپ در به رسمیت شناختن این بخش به عنوان خاک اسرائیل اعلام کرد. شهرک فعلی قلیع در سال ۱۹۸۳ به جای روستای سوری قلیع بنا شد که دولت اسرائیل آن را سال ۱۹۶۷ تخریب و ساکنان عرب آن به منطقه واسط در شمال ارتفاعات سوریه مهاجرت کردند. این شهرک در پذیرش و اسکان شهرک‌نشینان ناکام ماند به این معنی که تعداد ساکنان آن در ۳۷ سال گذشته تنها ۲۶۶ نفر بوده است ( <https://www.irna.ir/news/83353174/> ). همچنین در روز سه شنبه ۱۳۹۸/۶/۱۹ برابر با ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۹ بنیامین نتانیاهو در سخنرانی انتخاباتی خودش، اذعان کرد که تمام شهرکهای یهودی‌نشین در کرانه باختری رود اردن را به خاک اسرائیل ضمیمه می‌کند. دولت اسرائیل در این منطقه و همچنین در بیت‌المقدس شرقی، ۱۴۰ شهرک یهودی‌نشین تاکنون ساخته است که برخلاف حقوق بین‌الملل می‌باشد. در این سخنرانی نتانیاهو همچنین از الحاق

<sup>۱</sup>. Arnon Soffer

دره اردن و شمال دریای بحرالمت (مرده) به سرزمین اسرائیل صحبت کرده است و مدعی گسترش حاکمیت اسرائیل بر این مناطق شده است (fa.euronews.com).

اقدام دیگری که در همان ابتدای شکل‌گیری، دولت اسرائیل انجام داد «انتخاب اسامی عبری (یهودی) برای مکانهای خاص، اورشلیم، در مقابل اسم عبری بیت‌المقدس، [است که به عنوان] نمادهای مهمی در مناقشه‌ی اعراب و اسرائیل برای احاطه عاطفی یا واقعی بر آن سرزمین به حساب می‌آیند. [این در حالی است که] ویلبر زیلنسکی<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) جغرافی‌دان شهیر، معتقد است که انتخاب اسامی وطن‌پرستانه برای مکانها به ویژه در مراحل اولیه‌ی ملت-سازی، حایز اهمیت است» (برادن و شلی، ۱۳۸۳: ۱۴۶). نکته دیگری که به نظر می‌رسد باید ذکر شود این است که «یهودیت به دنبال صلح بودن را به عنوان بخشی از مشی الهی برای مردم بر می‌شمارد و مورد تأکید قرار می‌دهد، اما در این دین، جنگ نیز چنانچه برای هدف خوبی باشد، ضرورت می‌یابد. ... شاید یکی از بهترین تعبیری که مبین سنن دین یهود است واژه‌ی شالوم<sup>۲</sup> باشد که به معنی صلح می‌باشد؛ صلحی که تنها به سبب و به معنی نبود جنگ نیست و به طور کلی رفاه و سلامت را شامل می‌شود» (برادن و شلی، ۱۳۸۳: ۱۹۵)؛ اما موارد متعددی از سوی دولت اسرائیل برخلاف این آیین و مشی الهی دیده شده است؛ مواردی همچون:

۱. «در سال ۱۹۶۷ اسرائیل با این اعتقاد به نیروهای متحد عرب حمله کرد که تجمع نیروهای عرب در شبه‌جزیره‌ی سینا شواهدی مستدل برای حمله‌ی قریب‌الوقوع آنها به اسرائیل به حساب می‌آمد. بحث‌های بعدی آن بود که واقعاً کدام طرف جنگ ژوئن آن سال را آغاز کرد؛ [۲]. در سال ۱۹۸۱ اسرائیل با ادعای دفاع از خود و پیشگیری از ساخت تسلیحات اتمی در عراق، طی یک حمله‌ی هوایی در خاک عراق، نیروگاه اتمی آن کشور در نزدیکی بغداد را منهدم کرد؛ [۳]. اسرائیل در عملی تلافی جویانه برای حملات انجام شده به شهروندان اسرائیلی، عملیاتی را در خاک تونس علیه محل جدید ستاد فرماندهی سازمان آزادیبخش فلسطین به انجام رساند؛ [۴]. در سال ۱۹۷۶ فلسطینی‌ها هواپیمایی را در راه پاریس ربوده و آن را مجبور به فرود در اوگاندا کردند. اسرائیل یک واحد کماندویی به محل اعزام کرد که فلسطینی‌ها را کشته و اسرائیلی‌های در بند را آزاد کردند و حتی تعدادی از سربازان اوگاندایی نیز کشته شدند» (برادن و شلی، ۱۳۸۳: ۳۳۱-۱۹۵)؛ ۵. ارتش اسرائیل در سال ۱۹۷۷، اردوگاه‌های پناهندگان عرب در لبنان که از سوی سازمان ملل متحد اداره می‌شد را عمداً بمباران کرد (مجتهدزاده، ۱۳۹۱، ۲۷۷)؛ ۶. در ماه مه سال ۲۰۱۰ اسرائیل حمله‌ای کماندویی علیه ۶ کشتی حامل تدارکات انسان دوستانه که از ترکیه برای نوار غزه ارسال می‌شد انجام داد که ترکیه به آن واکنش تندی نشان داد (کاپلان، ۱۳۹۷: ۲۳۵)؛ ۷. جنگها و درگیری‌هایی که در طی سالهای اخیر در لبنان و با حزب‌الله لبنان و یا با فلسطینی‌ها داشته است.

اما، تغییر هندسه سرزمینی دیگری که از سال ۲۰۰۵ شروع شد و در نهایت در سال ۲۰۱۱ به سرانجام رسید، شکل‌گیری کشور سودان جنوبی در شرق آفریقا بود که بعد از مدتها آشوب و درگیریهای داخلی در کشور سودان، این تجزیه و جدایی سرزمینی شکل گرفت. قاره آفریقا را می‌توان نهایت حضور استثمارگران برای مطامع‌شان نامید. «عامل اصلی گرفتار ماندن آفریقا در تله عقب ماندگی، عدم توانایی این قاره در رهایی از آثار و پیامدهای استعمار

<sup>۱</sup>. Wilber Zelinsky

<sup>۲</sup>. Shalom

کهن اروپایی است» (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۲۱۶). هر گونه شکل‌گیری هندسه سرزمینی و مرز را که مطابق میل قدرت‌ها بوده است در این قاره شاهد هستیم. در این قاره مرزها بدون توجه به سیمای قومی، فرهنگی و نژادی ترسیم شده‌اند که همین مرزها سالها بعد از خروج ابرقدرتها، مبنای شکل‌گیری کشورهای مستقل گردیده است (Dikshit, 1995: 56). موقعیت کشور سودان از حیث اینکه مشرف به شاخ آفریقا و دارای سواحل در دریای سرخ است و همان گونه که در نظریه حافظ‌نیا در گسل غربی قرار گرفته است دارای اهمیت است. در واقع این گسل، به مراتب آشوب زده‌تر و بحرانی‌تر از گسل شرقی است و بازیگران رقیب دو استراتژی بری و بحری و متحدین آنها در سطوح ائتلافی مختلف از مقیاس محلی، منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای، جهانی و سازه‌ای در این گسل با هم درگیر هستند (حافظ‌نیا، سخنرانی گسل‌های ژئواستراتژیک جهانی، دانشگاه آزاد رشت، ۱۳۹۸/۲/۱۲). در شکل‌گیری چالشها و مسایل داخلی سودان قبل از تجزیه باید به نقش همسایگان این کشور و کشورهای آمریکا و اسرائیل نیز اشاره کرد. «دو کشور متخاصم اتیوپی و اریتره در مسایل داخلی سودان دخالتی هماهنگ داشته‌اند. درحالی‌که اتیوپی مسیحی از مسیحیان یاغی در جنوب سودان حمایت می‌کرد، اریتره مسلمان از مسلمانان یاغی در خاور سودان حمایت می‌نمود. گذشته از دخالت‌های ایالات متحده و اسرائیل علیه حکومت اسلامی سودان به دلایل ایدئولوژیک، مصر به دلایل ژئوپولیتیک و هیدروپولیتیک ویژه علیای نیل در امور سودان دخالت داشته است» (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۲۱۵).

یکی از چالشهای ژئوپولیتیکی که باید در رابطه با هندسه سرزمینی سودان جنوبی به آن توجه کرد، شکل محاط بودن در خشکی این کشور است. امروزه کشورها تلاش می‌کنند تا هر چه بیشتر خودشان را به سواحل دریاها نزدیک کنند و از تنگناهای جغرافیایی محاط بودن، رهایی یابند؛ حال اینکه مردم سودان جنوبی چگونه بدون توجه به این مسأله خواستار استقلال شدند خود جای سوال است. با تقسیم سودان به دو کشور، ضعف منبع غذایی و فقر را در هر دو کشور شاهد هستیم؛ و این با همان مسأله «سونامی در سکوت» که سخنگوی سازمان ملل در مورد بحران غذایی در جهان هشدار داده قابل تحلیل است. این مسأله می‌تواند در آینده برای توسعه این کشور، چالشهایی را برای نیروی انسانی و مدیریت آن به همراه داشته باشد. البته از نظر منابع نفتی، کشور سودان جنوبی دارای ذخایر زیادی است ولی توانایی استخراج و تصفیه آن را بدون کمک دولت سودان ندارد که باعث وابستگی اقتصادی به کشور سودان می‌شود. محاط بودن کشور سودان جنوبی را می‌توان با تاتارستان در کشور روسیه مقایسه کرد؛ تاتارستان به عنوان یک ایالت که دارای رئیس‌جمهور و پایتخت است ولی داعیه استقلال کامل را از روسیه تاکنون نداشته است به طوری که شرایط برای استقلال آنها فراهم بوده است.

### نتیجه‌گیری

با نگاه به نقشه سیاسی جهان مشاهده می‌شود که قلمروها و سرزمینهای اسلامی، بیشتر نقاط ژئواستراتژیکی و ژئوپولیتیکی جهان مانند تنگه باب‌المندب، خلیج عدن، تنگه هرمز، حوضه لوانت، تنگه جبل‌الطارق، خلیج فارس، آسیای مرکزی و تنگه مالاکا را در بر گرفته‌اند؛ به علاوه این سرزمینها در گستره ارضی نظریات ژئوپولیتیکی مطرحی مانند بری مکیندر، ریملند اسپایکمن، کمربندهای شکننده کوهن، مرکز مرکز لوهازن، بازی بزرگ و مدل فضایی

گسل‌های فعال ژئواستراتژیک جهان نیز قرار دارند. به این اهمیت‌ها، باید گستردگی جغرافیای ایدئولوژی اسلام را نیز اضافه کرد. با مشاهده نقشه شماره ۱ که مدل فضایی گسل‌های فعال ژئواستراتژیک جهان را نشان می‌دهد، سرزمین کشورهای خاورمیانه (بلندیهای جولان) در قلمروهای ژئواستراتژیک بری و بحری، نقاط اصطکاک ژئواستراتژیک و شرق آفریقا (سودان)، هر دو مکان در گسل غربی این مدل قرار دارند. این گسل، همواره در کانون توجهات، چالش‌ها و آشوب‌های میان بازیگران منطقه‌ای و جهانی می‌باشد. از این رو سناریوها و استراتژیهای متعددی در این سرزمین‌ها، آزموده می‌شوند. از نمونه‌های این سناریوها، تجزیه، تغییرات و تحولات سرزمین و مرزهای بین‌المللی در کشورهای اسلامی بوده و با توجه به سوء مدیریت و عدم درایت رهبران این کشورها، همچنان این تغییرات ادامه خواهند داشت.

پرسش اصلی که در این پژوهش مطرح گردید، این است که آیا هندسه سرزمین برخی کشورهای اسلامی در خاورمیانه و شرق آفریقا بعد از سال ۲۰۰۱ تغییراتی داشته‌اند؟ در این راستا، یافته‌های درون متن، حاکی از آن است که هندسه سرزمین برخی کشورهای اسلامی به ویژه کشورهایی که در خاورمیانه و براساس نظریه مطرح شده در مقاله، در گسل غربی قرار گرفته‌اند، دارای تغییراتی بوده‌اند. از بعد از جنگ جهانی دوم، با بررسی سیر تاریخی چالشها، مشاهده می‌شود که گسل غربی بیشترین تأثیرات را از استراتژی‌های ابرقدرت‌ها داشته است. موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک این گسل، یعنی در بر گیرنده تنگه‌های هرمز، باب‌المندب، کانال سوئز و خلیج فارس و حوضه لوانت به عنوان مخزن‌های انرژی خاورمیانه و پل اتصال قاره‌های آسیا، آفریقا و اروپا، اهمیت دوچندانی را به این گسل داده است. ترانزیت انرژی‌های فسیلی از تنگه‌های مذکور و در اختیار داشتن تولید و عرضه این انرژی-ها در مخزن‌های گفته شده، باعث شده است که ابرقدرت‌ها در سناریوهای مختلف برای این گسل، نقش‌آفرینی کنند. در گسل غربی، چالش‌های ناشی از تجزیه سرزمینی می‌تواند مردم و رهبران این کشورها را به خود مشغول کند؛ همان گونه که تاکنون اینگونه بوده است و درآمدهای سرشار نفت و گاز به جای اینکه صرف توسعه و رفاه درون این کشورها شود برای ماجراجویی، جنگ، حامی‌پروری و تقابل‌های ایدئولوژیک هزینه شده است. از مجموع کشورهایی که در محدوده جغرافیایی گسل غربی قرار گرفته‌اند به جز کشورهای قطر، امارات متحده عربی، کویت (ثروتمند) و اسرائیل (توسعه‌یافته) که چالش‌درگیری با فلسطینیها دارد و یا وابستگی استراتژیک به آمریکا دارند، بقیه، کشورهای درحال توسعه هستند. اسرائیل با تصاحب نقاط ژئواستراتژیک به عنوان یکی از مؤلفه‌های جغرافیایی به همراه دیگر مؤلفه‌هایی که به عنوان یک کشور توسعه یافته دارد، می‌تواند در حوضه لوانت نسبت به بقیه کشورهای این منطقه، ادعای برتری بیشتری داشته باشد؛ همچنین وجود یک حکومت طرفدار غرب و آمریکا در شرق آفریقا (سودان جنوبی)، برای پیشبرد اهداف قدرتها، مطمئناً مفید خواهد بود. بنابراین دو منطقه مورد مطالعه در مقاله از این نظر که هر دو جزء سرزمینهای اسلامی هستند و هر دو در محدوده ژئواستراتژیک قرار دارند یکی در حوضه لوانت و دیگری در شرق آفریقا و همجواری با شاخ آفریقا، دریای سرخ، سرچشمه رود نیل، از این نظر که با این تغییرات هندسه سرزمینی، حضور قدرتهای غربی به ویژه آمریکا را در این مناطق بیشتر تقویت می‌کنند، می‌توانند تناسب تحلیلی موضوع را نشان دهند.

در بازه زمانی مورد مطالعه در این مقاله (۲۰۱۹-۲۰۰۱)، برای کشورهای سوریه، اسرائیل و سودان تغییرات هندسه سرزمینی اتفاق افتاده است؛ البته برای سودان و جدایی جنوب سودان، این تغییرات از سوی سازمان ملل مورد تأیید قرار گرفته است ولی بلندیه‌های جولان سوریه با توجه به اعلام یکطرفه دولت آمریکا مبنی بر الحاق آن به اسرائیل، این تغییرات از سوی جامعه جهانی و سازمان ملل مورد پذیرش قرار نگرفته است و بلندیه‌های جولان کماکان به عنوان یک منطقه مورد مناقشه میان اسرائیل و سوریه باقی مانده است. بلندیه‌های جولان دارای منابع آب فراوان و منبع کشاورزی مهمی است لاجرم نقش ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی منابع طبیعی را در استراتژی‌های اسرائیل برای اشغال و حفظ این منطقه نیز می‌بینیم. نکته قابل توجه در رابطه با هندسه و وسعت سرزمین اسرائیل، تغییراتی است که از ابتدای تأسیس این کشور در سال ۱۹۴۷ تاکنون بوجود آمده است. در حال حاضر اگر مساحت بلندیه‌های جولان را هم در محاسبه وسعت کشور اسرائیل در نظر آوریم، مساحت آن ۲۲.۱۴۵ کیلومترمربع است که وسعتی حدود ۱۴۶۶ کیلومترمربع در طی این سال‌ها به مساحت سرزمینی خودشان افزوده‌اند. لاجرم مسأله هندسه سرزمین برای سودان و بلندیه‌های جولان (سوریه-اسرائیل) و در کشورهای اسلامی همواره دستخوش تحولات و تغییرات قرار دارد.

## قدردانی

نویسندگان مقاله از حمایت‌های معنوی و مالی معاونت محترم پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد برای این مقاله تشکر و قدردانی می‌نمایند.

## کتابنامه

- آرمان سلیمی، «چشم‌انداز خاورمیانه یک قرن پس از سایکس-پیکو»، ۱۳۹۵/۳/۲  
<http://www.faratab.com/news/1996/>  
احمدی، حمید (۱۳۸۸). ریشه‌های بحران در خاورمیانه. تهران: انتشارات کیهان، چاپ سوم  
استاوریانوس، ال.اس (۱۳۹۵). شکاف جهانی سیر شکل‌گیری جهان سوم. ترجمه رضا فاضل، تهران: انتشارات ثالث، چاپ دوم  
برادن، کلین و شلی، فرد (۱۳۸۳). ژئوپلیتیک فراگیر. ترجمه علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما، تهران: انتشارات دافوس، چاپ اول  
بدیعی‌ازنده‌ای، مرجان و افضل‌ی، رسول و امیری، علی (۱۳۹۶). فهم نقشه‌ی سیاسی از منظر قدرت/دانش. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۹، شماره ۱، بهار  
بلندیه‌های جولان؛ «یک خروج و آغاز جنگ قدرت پنهان»، ۱۳۹۷/۵/۱۳  
<https://www.mehrnews.com/news/4365188>  
پیردشتی، حسن و کمری، مریم (۱۳۹۴). مفهوم مرز و سرحد و سیر تحولات [آنها]. مجله رشد آموزش جغرافیا، دوره سی‌ام، شماره ۱، پاییز  
«تمام نقشه‌های کشورهای جهان تاکنون اشتباه بوده است؟ نقشه ادعایی را ببینید»، ۱۳۹۷/۷/۲۸  
[https://www.khabaronline.ir/\(X\(1\)S\(s4ix1w2ogtgxq2t25vcc2nfo\)\)/detail/813757/science/fundamental-knowledge](https://www.khabaronline.ir/(X(1)S(s4ix1w2ogtgxq2t25vcc2nfo))/detail/813757/science/fundamental-knowledge)

جداری عیوضی، جمشید (۱۳۸۸). نقشه و نقشه‌خوانی در جغرافیا. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ سوم  
جان پرور، محسن و قربانی سپهر، آرش و میرشکاری، محمدرضا (۱۳۹۶)(الف). نگرشی امنیت پژوهانه به بحرانهای پایه‌ای قرن ۲۱.  
فصلنامه پژوهشهای جغرافیای سیاسی، سال دوم، شماره سوم، پاییز، صص ۱۶۷-۱۲۷.  
جان پرور، محسن، (۱۳۹۶)(ب). نگرشی نو به مطالعات مرزی (مفاهیم، اصول و نظریه‌ها). تهران: انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران،  
چاپ اول.

حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پایلی، چاپ اول  
حافظنیا، محمدرضا (۱۳۹۸). «سخنرانی گسل‌های ژئواستراتژیک جهانی در دانشگاه آزاد رشت»، ۱۳۹۸/۲/۱۲  
حافظنیا، محمدرضا (۱۳۹۵). گسل‌های ژئواستراتژیک فعال در جهان. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوازدهم، شماره چهارم، زمستان، صص  
۱-۱۲.

«خوش رقصی‌های تانیا هو؛ شهرکی در جولان اشغالی «ترامپ» نامگذاری می‌شود»، ۱۳۹۸/۳/۳۰

<https://www.irna.ir/news/83353174>

درایسدل، آلاسدایر و بلیک، جرالداچ. (۱۳۷۰). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا. ترجمه دره میرحیدر مهاجرانی، تهران:  
انتشارات دفتر سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ دوم

دایموند، جرد (۱۳۹۶). اسلحه، میکروب و فولاد؛ ترجمه حسن مرتضوی؛ تهران: انتشارات بازتاب نگار، چاپ سوم

دانشنامه جهان اسلام، <http://rch.ac.ir/article/Details/7671>

ذکی، یاشار و ولیقلی‌زاده، علی (۱۳۹۲). مقیاسهای فضایی در جغرافیای سیاسی (مفاهیم و نظریه‌ها). تهران: انتشارات دانشگاه تهران،  
چاپ اول

زهدی گهرپور، محمد و دیگران (۱۳۹۶). بازاندیشی در مفهوم Territory از نگاه جغرافیای سیاسی ایران. فصلنامه پژوهشهای جغرافیای  
انسانی، دوره ۴۹، شماره ۳، پاییز

زین‌العابدین عموقین، یوسف (۱۳۹۶)(الف). پیشینه و چشم‌انداز مرزهای سیاسی با تأکید بر جغرافیای سیاسی دریایی و مرزهای ایران.  
رشت: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، چاپ دوم

زین‌العابدین عموقین، یوسف (۱۳۹۶)(ب). فضای مجازی و تحولات جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات انتخاب، چاپ سوم

سایت باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۲/۱۱/۲۳، نگاهی به تاریخچه سنگاپور

عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰). ژئوپولیتیک. تهران: انتشارات سمت، چاپ پنجم

عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۶). نظریه‌های جدید جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات قومس، چاپ اول

عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۹). جزوه درس قدرت و سیاست نقشه (دوره دکتری). دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

فهیمی، سیروس و حیدری‌فر، محمدرئوف (۱۳۹۷). تعلقات ژئوپلیتیکی ایران در خاورمیانه. تهران: انتشارات انتخاب، چاپ اول

قالیباف، محمدباقر، پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ افضلی، رسول؛ حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۳). واکاوی و تبیین نقش غذا در رقابتهای ژئوپلیتیکی با  
تأکید بر ژئوپلیتیک غذا. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دهم، شماره اول، بهار، صص ۱۸۹-۱۶۰

کاپلان، راپرت دی (۱۳۹۷). انتقام جغرافیا. ترجمه محمدحسن خضری و محبوبه نیک فرجام، تهران: انتشارات انتخاب، چاپ دوم

کلاوال، پل (۱۳۹۴). جغرافیای قرن بیست‌ویکم. ترجمه حسن صدوق‌ونینی؛ تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۱). فلسفه و کارکرد ژئوپولیتیک (مفاهیم و نظریه‌ها در عصر فضای مجازی). تهران: انتشارات سمت، چاپ اول

ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی و اهمیت استراتژیک ایران. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۳،  
بهار، صص ۲۲۱-۲۰۳

مویر، ریچارد (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی. ترجمه دره میرحیدر، تهران: انتشارات انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای  
مسلح، چاپ اول

مهکویی، حجت (۱۳۹۷). تحلیلی بر نقش مرزهای زمینی خطچین بین‌المللی در مناقشات میان کشورها در قلمروهای اسلامی. فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۲، تابستان، صص ۱۴۱-۱۱۵

«نگاهی به توافقنامه سایکس-پیکو و طرح مجدد آن در خاورمیانه»، ۱۳۹۴/۱۲/۱۸

<https://www.mizanonline.com/fa/news/146062>

Dikshit, Ramesh Dutta. (1995), Political Geography the Discipline and Its Dimension, Tata McGraw Hill Publishing Company Limited.

[http://joghrafia\\_jahan.mihanblog.com/extrapage/israel](http://joghrafia_jahan.mihanblog.com/extrapage/israel)

[https://military.wikia.org/wiki/United\\_Nations\\_Disengagement\\_Observer](https://military.wikia.org/wiki/United_Nations_Disengagement_Observer) (Force\_Zone)

[https://www.aftabir.com/articles/view/politics/world/c1\\_1349555770p1.php/16/7/1391](https://www.aftabir.com/articles/view/politics/world/c1_1349555770p1.php/16/7/1391)

[https://www.aftabir.com/articles/view/politics/world/c1\\_1349555770p1.php/16/7/1391](https://www.aftabir.com/articles/view/politics/world/c1_1349555770p1.php/16/7/1391)

<https://www.britannica.com/place/Golan-Heights>, Mar 13, 2019

<https://www.britannica.com/place/South-Sudan>

<https://www.jewishvirtuallibrary.org/history-and-overview-of-the-golan-heights>

Kameir, El Wathig. (2016), The Political Economy of South Sudan; THE AFRICAN DEVELOPMENT BANK

Robinson, Edward Heath. (2012). Reexamining fiat, bona fide and force dynamic boundaries for geopolitical entities and their placement in DOLCE; University of South Florida Department of Geography, Environment and Planning, 4202 East Fowler Avenue, NES 107 Tampa, FL 33620, USA; Applied Ontology 7 (2012) 93–108, DOI 10.3233/AO-2012-0103, IOS Press